

بررسی ارتباط بین اجتناب مالیاتی و شرکت های زامبی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمدجواد عابدی نهرخلجی

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد فلاورجان، دانشگاه آزاد اسلامی، فلاورجان، ایران. (نویسنده مسئول).
abedimohamad15@gmail.com

امین عالی ونندی دارانی

استادیار گروه حسابداری، واحد فریدن، دانشگاه آزاد اسلامی، فریدن، ایران.
dr_amin@iau.ir

مصطفی حبیبی خوزانی

استادیار گروه حسابداری، واحد فلاورجان، دانشگاه آزاد اسلامی، فلاورجان، ایران.
Mo.Habibi@iau.ac.ir

چکیده

هدف اصلی این تحقیق بررسی ارتباط بین اجتناب مالیاتی و شرکت های زامبی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. جامعه آماری این پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه آماری آن شامل داده های ۱۰۵ شرکت برای دوره ۷ ساله ۱۳۹۶-۱۴۰۲ است. روش نمونه گیری، روش حذفی سیستماتیک بوده است. روش مورد استفاده جهت برآورد الگو روش رگرسیون لجستیک می باشد. نتایج پژوهش نشان داد که بین اجتناب مالیاتی و شرکت های زامبی ارتباط معنی داری وجود دارد. هنگامی که به دلیل عملکرد ضعیف شرکت دسترسی به منابع مالی محدود شده باشند، اجتناب مالیاتی می تواند نقش مهمی را به عنوان یک فرصت نهایی برای دسترسی به منابع مالی ایفا کند. شواهد تحقیق این نکته را بازگو می نماید که تا چه حد اجتناب مالیاتی قادر است بر احتمال زامبی شدن شرکت ها اثرگذار باشد که این موضوع قادر است اطلاعات مفیدی را در اختیار تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری، قانون گذاران حوزه بازار سرمایه و دیگر ذینفعان قرار دهد.

واژگان کلیدی: اجتناب مالیاتی، شرکت های زامبی.

مقدمه

شرکت های زامبی مختص یک اقتصاد نیستند. این اصطلاح در ابتدا توسط کابالیرو و همکاران (۲۰۰۸؛ ۱۹۴۵) برای توصیف رکود اقتصاد ژاپن در دهه ۱۹۹۰ استفاده شد. اما اکنون برای توصیف هر شرکتی که عملکرد ضعیفی دارد و وابسته به شیوه های مشکوک وام دهی بانکی است، استفاده می شود (کوون و همکاران، ۲۰۱۵؛ ۷۱۲). تعداد فزاینده شرکت های زامبی در بازار سرمایه یک نگرانی قابل توجه برای سیاست گذاران و تنظیم کنندگان است (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۵۳). سرمایه گذاری دولتی حضور شرکت های زامبی را در بازار سرمایه افزایش می دهد و رشد شرکت های خصوصی را از بین می برد. همچنین تمرکز بالای بانک های دولتی و شرکت های دولتی در بازار به طور مثبت با رشد شرکت های زامبی مرتبط است. این موضوع نیاز به تغییر اساسی در سرمایه گذاری دولت و اصلاحات گسترده در شرکت های زامبی (به ویژه شرکت های دولتی) در بازار سرمایه را نشان می دهد (تان و همکاران، ۲۰۱۶؛ ۳۴). از عوامل موثر بر احتمال زامبی شدن شرکت ها می توان به اجتناب مالیاتی اشاره کرد (وانگ و همکاران، ۲۰۲۴؛ ۲). اجتناب مالیاتی یک طرح مالیاتی برای به حداقل رساندن بار مالیاتی با استفاده از خلاءهای موجود در مقررات مالیاتی یک کشور

است. اجتناب مالیاتی با بهره‌گیری از خلأهای قانون مالیاتی که تنظیم نشده یا نبوده، انجام می‌شود تا قانونی و مغایر با قانون نباشد. هدف از اجتناب مالیاتی به حداقل رساندن و بهینه سازی بار مالیاتی است که باید پرداخت شود (جوسمن و نویستا، ۲۰۲۰؛ ۶۹۷). هنگامی که به دلیل عملکرد ضعیف شرکت دسترسی به منابع مالی محدود شده باشند، اجتناب مالیاتی می‌تواند نقش مهمی را به عنوان یک فرصت نهایی برای دسترسی به منابع مالی ایفا کند (دالیوال و همکاران، ۲۰۰۴؛ ۴۳۳). اجتناب مالیاتی می‌تواند با ایفای یک نقش تعیین کننده به عنوان یک منبع جایگزین تامین مالی، منابع داخلی اضافی را برای شرکت‌ها ایجاد نماید. همچنین شرکت‌های با بحران مالی، احتمالاً از طریق فعالیت‌های اجتناب مالیاتی، نقدینگی خود را افزایش می‌دهند و از این روش برای دستیابی به منابع مالی بالقوه داخلی استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر می‌توان انتظار داشت که بحران مالی با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ارتباط داشته باشد (ادواردز و همکاران، ۲۰۱۳؛ ۲).

در سال‌های گذشته هدف از اخذ و وضع مالیات فراهم کردن منابع مالی دولت‌ها بود. ولی به تدریج و با مشخص شدن اثرات فعالیت مالی دولت، مالیات به عنوان وسیله‌ای جهت ثبات، رشد و کاهش نابرابری در نظر گرفته می‌شود. مالیات از جمله متغیرهای عمده می‌باشد که دولت با بهره‌گیری از آن هم در تخصیص منابع و تقسیم درآمد و هم در متغیرهای کلان اقتصادی نظیر تورم، رشد اقتصادی و بیکاری تاثیر مطلوبی می‌گذارد. بالا رفتن سهم مالیات در فراهم کردن هزینه‌های دولت‌ها موجب کم شدن اثرات نامطلوب اقتصادی جامعه می‌گردد. به همین خاطر مبحث مالیات از گذشته مدنظر صاحب نظران مالیه عمومی و علم اقتصاد قرار گرفته و قوانین و مقررات مالیاتی نیز سیر تکاملی خود را گذرانده‌اند. بنابراین، با توجه به اهمیت بالای مالیات برای شرکت‌ها، این پژوهش در صدد آن است که ارتباط بین اجتناب مالیاتی و شرکت‌های زامبی را مورد مطالعه قرار دهد. اهمیت نقش درآمدهای مالیاتی دولت در برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی و همچنین نبود تحقیقات کافی، این انگیزه را در تحقیق حاضر ایجاد می‌کند که مبحث فوق را به عنوان یک مطالعه پژوهشی انتخاب کنند. انتظار می‌رود یافته‌های به دست آمده تحقیق حاضر بتواند دستاوردها و ارزش افزوده علمی به شرح ذیل داشته باشد: نخست اینکه یافته‌های به دست آمده تحقیق می‌تواند باعث توسعه مبانی نظری تحقیقات گذشته در رابطه با اجتناب مالیاتی شود و ارتباط آن با شرکت‌های زامبی را مشخص کند. دوم اینکه، شواهد تحقیق این نکته را بازگو می‌نماید که تا چه حد اجتناب مالیاتی قادر است بر احتمال زامبی شدن شرکت‌ها اثرگذار باشند که این موضوع قادر است اطلاعات مفیدی را در اختیار تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری، قانون‌گذاران حوزه بازار سرمایه و دیگر ذینفعان قرار دهد. سوم اینکه، یافته‌های به دست آمده تحقیق قادر است ایده‌های نوآورانه‌ای را برای انجام تحقیقات جدید در حوزه مالیاتی پیشنهاد کند. که کلیه این عوامل بیانگر اهمیت بالای این موضوع است.

بر همین اساس، در ادامه مبانی نظری پژوهش شامل دیدگاه‌های موجود در رابطه با تاثیر اجتناب مالیاتی و شرکت‌های زامبی بیان شده است؛ سپس به بررسی پیشینه پژوهش پرداخته شده و بر اساس آن هدف اصلی پژوهش بیان گردیده است. در بخش‌های بعدی، روش‌شناسی و یافته‌های پژوهش ارائه گردیده و در بخش آخر، نتیجه‌گیری و پیشنهادات پژوهش بیان شده است.

مبانی نظری، ادبیات و فرضیه‌ها

اصطلاح شرکت‌های زامبی ابتدا توسط کابالیرو و همکاران (۲۰۰۸؛ ۱۹۴۵)، در تحلیل آنها از "دهه گمشده" ژاپن (دهه ۱۹۹۰)، ابداع شد و از آن زمان توجه قابل توجهی از سوی سیاست‌گذاران و تنظیم کنندگان در سراسر جهان به خود جلب کرده است (بانرجی و هافمن، ۲۰۱۸؛ ۶۸). شرکت‌های زامبی نمی‌توانند هزینه‌های خدمات بدهی خود را از درآمدهای جاری خود برای دوره‌های طولانی پوشش دهند، بنابراین برای بقا به وام‌های بانکی و یارانه‌های دولتی متکی

هستند (کابلپرو و همکاران، ۲۰۰۸؛ ۱۹۴۵؛ فوکودا و ناکامورا، ۲۰۱۱؛ ۱۱۲۶). شرکت های زامبی اغلب به عنوان «مردگان متحرک» اقتصاد یک کشور در نظر گرفته می شوند. آنها در حالی که با تکیه بر وام های بانکی و یارانه های دولتی به فعالیت در بازار سرمایه ادامه می دهند، «راه می روند»، اما «مرده» هستند، زیرا به شدت بدهکار هستند و قادر به پرداخت بدهی طلبکاران خود نیستند (جیانگ و همکاران، ۲۰۱۷؛ ۳۴۳). شرکت های زامبی با شرکت های دارای محدودیت مالی متفاوت هستند، زیرا شرکت های دارای محدودیت مالی نرخ بهره بانکی یا یارانه های دولتی دریافت نمی کنند. در عوض، شرکت های دارای محدودیت مالی باید با افزایش هزینه تامین مالی خارجی یا افزایش دشواری دسترسی به منابع خارجی مواجه شوند (ادواردز و همکاران، ۲۰۱۶؛ ۸۶۱). بنابراین، آنها باید اقدامات اصلاحی مانند کاهش فناوری، اشتغال و مخارج سرمایه، فروش دارایی ها برای تأمین مالی عملیات خود، ادغام با شرکت دیگر یا درخواست ورشکستگی انجام دهند (کامپلو و همکاران، ۲۰۱۰؛ ۴۷۲). به دنبال بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ مک گوان و همکاران (۲۰۱۷)، افزایش قابل توجهی در شرکت های زامبی در چندین کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه گزارش کردند. بانرجی و هافمن (۲۰۱۸؛ ۶۸)، روند صعودی مشابهی را از دهه ۱۹۸۰ به بعد یافتند. در مطالعه دیگری از شرکت های غیرمالی فهرست شده در ۱۴ کشور، بانرجی و هافمن (۲۰۲۰؛ ۸۸۲)، افزایش قابل توجهی در سهم شرکت های زامبی مشاهده کردند.

در سراسر جهان تهدیدهای فزاینده ای را شرکت های زامبی برای بازارهای سرمایه ایجاد می کنند. شواهد فراوان نشان داده است که شرکت های زامبی نتایج اقتصادی مضری دارند. کابلپرو و همکاران (۲۰۰۸؛ ۱۹۴۶)، دریافتند که در ژاپن، حمایت های دریافت شده توسط شرکت های زامبی از طریق وام های بانکی یا یارانه های دولتی مانع از ورود شرکت های کارآمد به بازار سرمایه شده است. در واقع، ناکارآمدی شرکت های زامبی نه تنها رشد اقتصادی یک کشور را تهدید می کند (کابلپرو و همکاران، ۲۰۰۸؛ ۱۹۴۶؛ فوکودا و ناکامورا، ۲۰۱۱؛ ۱۱۲۷). بلکه یک اثر سرریز منفی دارد که به رقابت و نوآوری شرکت های غیر زامبی آسیب می زند (تان و همکاران، ۲۰۱۶؛ ۳۵). علاوه بر این پیامدهای اقتصادی منفی شناخته شده، شرکت های زامبی ممکن است پیامدهای نامطلوب دیگری نیز داشته باشند. برای مثال، ناتوانی شرکت های زامبی در ایجاد درآمد پایدار و جریان های نقدی اغلب به منابع مالی داخلی ناکافی منجر می شود (فوکودا و ناکامورا، ۲۰۱۱؛ ۱۱۲۷). با این حال، این امکان وجود دارد که اجتناب مالیاتی شرکت ها بتواند منبع جایگزینی برای تامین مالی داخلی شرکت های زامبی باشد. از این رو، اجتناب مالیاتی ممکن است به شرکت های زامبی کمک کند تا با ایجاد سستی مالی، زنده بمانند. با این حال، افزایش اجتناب مالیاتی شرکتی مورد نیاز برای حفظ شرکت های زامبی ممکن است تأثیر منفی بر جامعه داشته باشد (وانگ و همکاران، ۲۰۲۴؛ ۳).

همکاری بین بانک های تجاری و شرکت ها در قالب وام های بانکی و یارانه های دولتی به افزایش و ادامه بقای شرکت های زامبی کمک کرده است و دولت ها درآمد مالیاتی و فرصت های شغلی ارائه شده توسط شرکت های زامبی را برای رونق اقتصادی منطقه ای و ثبات اجتماعی ضروری می دانند (فانگ و همکاران، ۲۰۲۰؛ ۲). انتظار می رود که ایجاد پس انداز مالیاتی از طریق اجتناب مالیاتی شرکت ها ممکن است یک منبع داخلی جذاب برای گزینه تامین مالی در دسترس شرکت های زامبی برای بهبود احتمال بقای آنها در بازار سرمایه باشد، زیرا در مقایسه با استراتژی های کاهش هزینه ها مانند کاهش هزینه های تحقیق و توسعه، کاهش پرداخت های مالیات بر درآمد شرکتی کمتر بر عملکرد شرکت های زامبی تأثیر منفی می گذارد. با این حال، مزایا و هزینه های اجتناب مالیاتی شرکتی باید در نظر گرفته شود (بالاکریشن و همکاران، ۲۰۱۹؛ ۴۶؛ چن و همکاران، ۲۰۱۰؛ ۴۲). لذا می توان انتظار داشت در جایی که اجتناب مالیاتی شرکت ها منجر به مزایای اجتناب مالیاتی می شود، بتواند ارتباط منفی با شرکت های زامبی داشته باشد. از سوی دیگر،

در جایی که اجتناب مالیاتی شرکت منجر به مزایای اجتناب مالیاتی بیشتر از هزینه‌ها نمی‌شود، انتظار می‌رود که هزینه نهایی خالص اجتناب مالیاتی شرکت‌ها به طور مثبت با شرکت‌های زامبی مرتبط باشد (وانگ و همکاران، ۲۰۲۴: ۳). ساری (۱۴۰۳: ۱)، در پژوهشی به بررسی اثرات رفتار اجتنابی هم پیشگی صنعت بر اجتناب مالیاتی با توجه به رقابت بازار محصول پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اثر هم پیشگی صنعت در مورد اجتناب مالیاتی شرکت‌ها برقرار می‌باشد و در صنایع انحصاری و با رقابت کمتر، اثر هم پیشگی صنعت در مورد اجتناب مالیاتی نیز کمتر می‌گردد. براساس این یافته می‌توان گفت در ایران، اثرهم پیشگی صنعت در مورد اجتناب مالیاتی بیشتر مبتنی بر نظریه رقابت است و در شرایطی که نیاز به کسب مزیت رقابتی کمتر احساس می‌شود این اثر نیز کمتر نمایان می‌گردد. توسلی و همکاران (۱۴۰۳: ۱)، در پژوهشی به بررسی این چالش پرداختند که آیا مالیات‌های انتقالی ناشی از صورت‌های مالی گزارش شده براساس استاندارد حسابداری ۳۵ به عنوان راهبردی برای مدیران جهت دستیابی به اجتناب مالیاتی می‌باشد یا خیر. و اینکه آیا سیاست مالیاتی متهورانه برگرفته از این استاندارد به عنوان ابزاری جهت مدیریت سود می‌باشد یا خیر. یافته‌ها نشان داد که سیاست مالیاتی متهورانه بر مدیریت سود تاثیر ندارد. همچنین دارایی مالیات انتقالی بر اجتناب مالیاتی تاثیر داشته ولی بدهی مالیات انتقالی تاثیری بر اجتناب مالیاتی نداشته است.

محمودی و همکاران (۱۴۰۲: ۱۹۵)، در پژوهشی به بررسی رابطه میان خطر اخلاقی و احتمال زامبی شدن شرکت پرداختند. نتایج نشان می‌دهد خطر اخلاقی رابطه ای مثبت و معنی دار با احتمال زامبی شدن شرکت ها دارد. شواهد این پژوهش نشان می‌دهد با افزایش ریسک مالی، احتمال زامبی شدن شرکت ها به طور معنی داری افزایش و با افزایش سودآوری، احتمال زامبی شدن شرکت ها به طور معنی داری کاهش می‌یابد. تقوی مقدم و نحعی (۱۴۰۱: ۸۷) در پژوهشی به بررسی اثر شرکت‌های زامبی بر هزینه تأمین مالی بدهی با تأکید بر نقش مالکیت دولتی پرداختند. نتایج پژوهش بیانگر آن بود که وجود شرکت زامبی (انگل) در بین شرکت‌های هم صنعت بر هزینه تأمین مالی بدهی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، مالکیت دولتی بر رابطه بین وجود شرکت زامبی در بین شرکت‌های هم صنعت و هزینه تأمین مالی تأثیرگذار نمی‌باشد.

اسکندری و عبدالمکی (۱۴۰۱، ۱۲۶)، در پژوهشی به بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات و حاکمیت شرکتی بر ریسک ورشکستگی شرکت ها در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج فرضیه نشان داد که پرداخت مالیات بر ریسک ورشکستگی تأثیر معکوس و معناداری دارد. همچنین مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی و استقلال هیئت مدیره بر ریسک ورشکستگی تأثیر معکوس و معناداری داشته و اندازه هیئت مدیره و اندازه کمیته حسابرسی تأثیری بر ریسک ورشکستگی ندارد. محمدعلی تبار اندواری (۱۴۰۰: ۱۴۹)، در پژوهشی به بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر رابطه بین سرمایه‌گذاری بیش از حد و محدودیت در تأمین مالی با رویکرد مدلسازی معادلات ساختاری پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین محدودیت در تأمین مالی و سرمایه‌گذاری بیش از حد رابطه منفی وجود دارد، اما این رابطه معنادار است. همچنین با وجود رابطه منفی بین محدودیت مالی و اجتناب از مالیات، اجتناب از مالیات به عنوان یک متغیر میانجی، اثر معنادار و مثبتی بر سرمایه‌گذاری بیش از حد دارد.

پیشینه خارجی

وانگ و همکاران (۲۰۲۴: ۱)، پژوهشی با عنوان زنده باد مردگان متحرک؟ اجتناب مالیاتی شرکت ها و شرکت های زامبی در چین انجام داده‌اند. نتایج پس از کنترل محدودیت‌های مالی نشان داد یک ارتباط منفی و معنی‌دار بین اجتناب مالیاتی و شرکت‌های زامبی برقرار است. همچنین شرکت‌های زامبی در نمونه به زیر نمونه‌های شرکت دولتی و غیردولتی تقسیم شد و مشاهده شد که اثر اجتناب مالیاتی در نمونه فرعی شرکت‌های دولتی قوی‌تر است. علاوه بر این، نتایج نشان

داد که ارتباطات سیاسی مدیر عامل این ارتباط را تشدید می کند. در نهایت، ابهام اطلاعات به عنوان مکانیزمی شناسایی شد که ارتباط منفی بین اجتناب مالیاتی و شرکت های زامبی را توضیح می دهد. آرنیاتی و سیتومورانگ (۲۰۲۳: ۱)، در پژوهشی به بررسی تأثیر ارتباط سیاسی بر اجتناب مالیاتی با توجه به نقش تعدیل کننده شرکت های زامبی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که ارتباطات سیاسی تأثیری بر اجتناب مالیاتی ندارد و شرکت زامبی نمی تواند رابطه بین این دو را تعدیل کند.

عبدالله و همکاران (۲۰۲۲: ۲۱)، در پژوهشی بررسی کردند که آیا با در نظر گرفتن نقش تعدیل کننده ارتباطات سیاسی مالیات جسورانه و هزینه بدهی بر عملکرد شرکت تأثیر می گذارد؟ نتایج نشان می دهد که شرکت های با مالیات جسورانه عملکرد ضعیف تری دارند، در حالی که شرکت های دارای ارتباطات سیاسی عملکرد بهتری دارند. علاوه بر این، نتایج نشان داد که شرکت های با مالیات جسورانه که اعضای هیئت مدیره دارای ارتباطات سیاسی دارند، در مقایسه با هممتیان بدون ارتباطات سیاسی خود، عملکرد بهتری دارند. به طور مشابه، شرکت هایی که هزینه بدهی بالایی دارند و اعضای هیئت مدیره به لحاظ سیاسی دارای ارتباطات هستند، عملکرد بهتری در مقایسه با شرکت های دیگر دارند. بنابراین، ارتباطات سیاسی به شرکت های مرتبط کمک می کند تا از طریق تأثیر آنها در تأمین پروژه های دولتی، یارانه ها و سایر مزایا، بر پیامدهای نامطلوب مالیات جسورانه و هزینه بالای بدهی غلبه کنند.

یو و همکاران (۲۰۲۱: ۱۰)، در پژوهشی بررسی کردند که چگونه شرکت های زامبی بر هزینه های تأمین مالی بدهی دیگران تأثیر می گذارند. نتایج تجربی نشان می دهد که شرکت های زامبی به طور قابل توجهی هزینه های تأمین مالی بدهی شرکت های عادی را افزایش می دهند. تست های استحکام و تست های درون زایی این یافته را تأیید می کنند. تجزیه و تحلیل بیشتر تفاوت های قابل توجهی را در تأثیر شرکت های زامبی بر هزینه های تأمین مالی بدهی شرکت های معمولی به سطوح مختلف وابستگی تأمین مالی خارجی، اشکال مختلف مالکیت و مقیاس های مختلف شرکت نشان می دهد. تأثیر منفی شرکت های زامبی بر هزینه های تأمین مالی بدهی شرکت های عادی در صنایع با وابستگی به تأمین مالی خارجی بالا، شرکت های غیردولتی و شرکت های کوچک متوسط بیشتر است.

نوردیانا (۲۰۲۱: ۹۴۳)، در به بررسی تأثیر عدم اطمینان محیطی و بحران مالی بر اجتناب مالیاتی با در نظر گرفتن استراتژی تجاری به عنوان متغیر تعدیل کننده پرداختند. نتایج این تحقیق نشان می دهد که عدم اطمینان محیطی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معناداری دارد، بحران مالی تأثیری بر اجتناب مالیاتی ندارد، استراتژی های تجاری اثر تعدیلی بر رابطه عدم اطمینان محیطی و اجتناب مالیاتی دارد، و استراتژی های تجاری نمی توانند تأثیر بحران مالی در اجتناب مالیاتی را تعدیل کنند. داوان و همکاران (۲۰۲۰: ۱۶۴)، در پژوهشی به بررسی تأثیر فعالیتهای اجتناب مالیاتی بر ریسک ورشکستگی شرکت ها پرداختند. نتایج نشان داد شرکت هایی که درگیر اجتناب مالیاتی هستند و شرکت هایی که بصورت اندکی سرمایه دارند با خطر ورشکستگی بیشتری روبرو هستند. یافته های این پژوهش با این دیدگاه که اجتناب مالیاتی یک فعالیت تقویت کننده ریسک ورشکستگی است، سازگار است.

در ایران نرخ سود تسهیلات بانکی به صورت دستوری مشخص می شود. این نرخ در سال های اخیر همواره با اختلاف قابل توجهی پایین تر از نرخ تورم بوده است (به عبارت دیگر نرخ سود حقیقی منفی بوده است). شرکت هایی که در چنین شرایطی نیز با این نرخ های بانکی قادر به سودسازی برای پوشش بازپرداخت بدهی خود نیستند، بی شک از مشکلات ساختاری زیادی رنج می برند و این ساختارهای معیوب بهره وری و قدرت سودآوری آنها را به شدت کاهش داده است. ادامه فعالیت این شرکت ها به منزله درگیر بودن منابع کشور اعم از نیروی انسانی و سرمایه در بخش های غیره بهره ور خواهد بود. از گردونه خارج شدن این شرکت ها کمک می کند تا منابعی که این شرکت ها در اختیار داشتند در قالب و ساختار دیگر کمک بیشتری به رشد اقتصاد کند. به علاوه شرکت های زامبی با توجه به مشکلات مالی که دارند عملاً قادر

به سرمایه‌گذاری جدید نخواهند بود و به منظور تامین مالی به منابع داخلی نظیر ایجاد پس انداز مالیاتی از طریق اجتناب مالیاتی روی می‌آورند تا بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند. در این بین ادامه فعالیت آنها می‌تواند به بخش سرمایه‌گذاری آسیب وارد کند. بنابراین بازگرداندن شرکت‌های ورشکسته با همان ساختار معیوب قبلی عملاً باعث اتلاف منابع می‌شود و به بهره‌وری و سرمایه‌گذاری آتی در بخش مولد آسیب می‌زند. این آسیب‌ها در کنار فشارهایی که این سیاست‌ها به بخش بانکی (افزایش ریسک نکول و عدم وصول مطالبات) وارد می‌کند، نشان می‌دهد که آثار مخرب این‌گونه سیاست‌های حمایتی می‌تواند بیشتر از آثار سازنده آن باشد. به عبارت دیگر شرکت‌های زامبی فعال در ایران نه تنها بهره‌وری کمی دارند، بلکه با اشغال بازار و ایجاد ازدحام، سرمایه‌گذاری و اشتغال در شرکت‌های مولدتر را منع می‌کنند. بنابراین تعیین ارتباط بین اجتناب مالیاتی و شرکت‌های زامبی در اقتصاد ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. در نتیجه با توجه به مبانی مطرح شده در خصوص موضوع پژوهش، در این پژوهش به بررسی ارتباط بین اجتناب مالیاتی و شرکت‌های زامبی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته می‌شود. با توجه به مبانی مطرح شده فرضیه پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه پژوهش: بین اجتناب مالیاتی و شرکت‌های زامبی ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی و در حوزه تحقیقات حسابداری و مالی می‌باشد. زیرا ارتباط و همبستگی بین متغیرهای پژوهش را با استفاده از مدل‌های رگرسیون بررسی می‌کند. این تحقیق از لحاظ طبقه‌بندی تحقیق بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است. این پژوهش، پژوهش توصیفی محسوب می‌شود. تحقیق توصیفی آنچه را که هست بدون دخل و تصرف توصیف و تفسیر می‌کند. این نوع از تحقیقات شامل جمع‌آوری اطلاعات به منظور آزمون فرضیه یا پاسخ به سؤالات مربوط به وضعیت فعلی موضوع مورد مطالعه می‌باشد. به منظور آزمون فرضیه پژوهش و بررسی ارتباط بین متغیرها از مدل‌های رگرسیون چندمتغیره به روش رگرسیون لجستیک استفاده می‌شود. همچنین از نرم افزارهای ایویوز استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. همچنین قلمرو زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۹۶ لغایت ۱۴۰۱ است. برای نمونه‌گیری از روش حذف سامانمند استفاده خواهد شد که شرایط آن به صورت زیر تعریف شده است:

- ۱- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند هر سال باشد.
 - ۲- به منظور همگن بودن اطلاعات، شرکت‌ها از نوع بانک‌ها، موسسات مالی و اعتباری، بیمه و لیزینگ نباشند.
 - ۳- در دوره زمانی پژوهش از بورس خارج نشده باشد.
 - ۴- در دوره زمانی پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشد.
 - ۵- در دوره زمانی پژوهش بیش از سه ماه وقفه معاملاتی نداشته باشد.
 - ۶- اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این تحقیق در دسترس باشد.
- با توجه به محدودیت‌های اعمال شده، در مجموع تعداد ۱۰۵ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد. در این پژوهش به پیروی از وانگ و همکاران (۲۰۲۴؛ ۷)، از مدل شماره (۱) برای آزمون فرضیه پژوهش استفاده خواهد شد. در مدل (۱) در صورتی که ضریب β_1 معنادار باشد، فرضیه پژوهش رد نمی‌شود.
- مدل (۱):

$$\begin{aligned} ZOMBIE_{it} = & \beta_0 + \beta_1 TA_{i,t-1} + \beta_2 SIZE_{i,t-1} + \beta_3 LEV_{i,t-1} + \beta_4 CFO_{i,t-1} + \beta_5 ROA_{i,t-1} \\ & + \beta_6 GROWTH_{i,t-1} + \beta_7 MKTBK_{i,t-1} + \beta_8 Z_SCORE_{i,t-1} + \beta_9 AGE_{i,t-1} \\ & + \beta_{10} SOE_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

که در آن:

- $ZOMBIE_{it}$: شرکت‌های زامبی شرکت i در سال t
 $TA_{i,t-1}$: اجتناب مالیاتی شرکت i در سال $t-1$
 $SIZE_{i,t-1}$: اندازه شرکت i در سال $t-1$
 $LEV_{i,t-1}$: اهرم مالی شرکت i در سال $t-1$
 $CFO_{i,t-1}$: جریان نقد عملیاتی شرکت i در سال $t-1$
 $ROA_{i,t-1}$: بازده دارایی های شرکت i در سال $t-1$
 $GROWTH_{i,t-1}$: رشد شرکت i در سال $t-1$
 $MKTBK_{i,t-1}$: نسبت ارزش بازار به دفتری شرکت i در سال $t-1$
 $Z_SCORE_{i,t-1}$: بحران مالی شرکت i در سال $t-1$
 $AGE_{i,t-1}$: سن شرکت i در سال $t-1$
 $SOE_{i,t-1}$: مالکیت دولتی شرکت i در سال $t-1$

متغیر وابسته

شرکت‌های زامبی ($ZOMBIE$): در این پژوهش برای محاسبه شرکت‌های زامبی مطابق با پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۲۴: ۷)، از یک متغیر ساختگی استفاده می‌شود. در صورتیکه احتمال زامبی شدن شرکت وجود داشته باشد عدد یک و در غیراینصورت عدد صفر می‌گیرد. برای مشخص کردن احتمال زامبی شدن شرکت ها باید سه شرط وجود داشته باشد: ۱- سه سال متوالی زیان ده باشد، ۲- ارزش زیان انباشته به اندازه سرمایه شرکت و یا بیشتر باشد، ۳- ارزش بازاری شرکت بیشتر از میانگین ارزش بازاری شرکت‌های دیگر، صنعت باشد (یو و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۴).

متغیر مستقل

متغیر مستقل این پژوهش اجتناب مالیاتی می‌باشد که به شرح زیر محاسبه می‌گردد:
 اجتناب مالیاتی (TA): در این پژوهش برای محاسبه اجتناب مالیاتی مطابق با پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۲۴: ۷)، از هزینه مالیات بر درآمد منهای هزینه مالیات معوق تقسیم بر کل دارایی ها در سال $t-1$ استفاده می‌شود. نحوه اندازه گیری این متغیر در رابطه (۱) ارائه شده است:
 رابطه (۱):

$$TA_{it} = \frac{Tax\ Expense_{it} - Deferred\ Tax\ Expense_{it}}{Total\ Assets_{it-1}}$$

که در آن:

- TA_{it} : اجتناب مالیاتی شرکت i در سال t
 $Tax\ Expense_{it}$: هزینه مالیات بر درآمد شرکت i در سال t
 $Deferred\ Tax\ Expense_{it}$: هزینه مالیات معوق شرکت i در سال t
 $Total\ Assets_{it-1}$: کل دارایی های شرکت i در سال $t-1$

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت ($SIZE$): برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی ها.
 اهرم مالی (LEV): برابر است با نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها.

جریان نقد عملیاتی (CFO): برابر است با نسبت جریان نقد عملیاتی به کل دارایی ها.
بازده دارایی ها (ROA): برابر است با نسبت سود خالص به کل دارایی ها.
رشد شرکت (GROWTH): برابر است با فروش سال جاری منهای فروش سال گذشته تقسیم بر فروش سال گذشته.
نسبت ارزش بازار به دفتری (MKTBK): برابر است با نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.
بحران مالی (Z_SCORE): در این پژوهش جهت اندازه گیری بحران مالی مطابق با پژوهش نصیرزاده و مرندي (۱۴۰۰) از مدل بومی سازی شده کردستانی و تاتلی (۱۳۹۳: ۵۸) به شرح رابطه (۱) استفاده می شود. در این رابطه، FD به عنوان معیار معکوس بحران مالی است که بیشتر (کمتر) بودن آن به معنای سلامت مالی بیشتر (بحران مالی بیشتر) است. در نتیجه مقادیر بدست آمده از این معیار در منفی یک ضرب می شوند.
رابطه (۱):

$$FD_{it} = 0.626 \frac{RE_{it}}{TA_{it}} + 0.137 \frac{OI_{it}}{TA_{it}} + 0.679 \frac{NI_{it}}{TA_{it}} - 0.583 \frac{TL_{it}}{TA_{it}}$$

که در آن:

FD_{it} : بحران مالی شرکت i در سال t

TA_{it} : کل دارایی های شرکت i در سال t

RE_{it} : سود انباشته شرکت i در سال t

OI_{it} : سود عملیاتی شرکت i در سال t

NI_{it} : سود خالص شرکت i در سال t

TL_{it} : کل بدهی های شرکت i در سال t

سن شرکت (AGE): برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد سالهای فعالیت شرکت از زمان تاسیس تا دوره زمانی پژوهش.
مالکیت دولتی (SOE): یک متغیر ساختگی است، در صورتیکه شرکت دارای مالکیت دولتی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر می گیرد.

یافته ها

آمار توصیفی

آمار توصیفی تنظیم و طبقه بندی داده ها، نمایش ترسیمی، و محاسبه مقادیری از قبیل نما، میانگین، میانه و... می باشد که حاکی از مشخصات اعضای جامعه مورد بحث است. جدول (۱) آمار توصیفی متغیرهای مدل را نشان می دهد که شامل اطلاعات مربوط به میانگین، میانه، بیشینه و کمینه، چولگی و کشیدگی و... است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای مدل

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
AGE	۳/۸۵۱	۳/۹۱۲	۴/۲۶۳	۳/۱۷۸	۰/۲۳۳	-۰/۷۴۴	۲/۷۱۶
CFO	۰/۰۸۹	۰/۰۷۰	۰/۷۹۲	-۰/۴۱۲	۰/۱۳۷	۰/۶۵۷	۵/۴۱۸
GROWTH	۰/۵۸۰	۰/۳۷۲	۳/۷۴۴	-۰/۹۹۲	۱/۹۰۴	۱۶/۰۰۴	۶۹۹/۳۳۴
LEV	۰/۷۱۵	۰/۵۷۸	۰/۹۹۴	۰/۰۳۱	۰/۶۳۶	۳/۴۵۹	۱۶/۹۱۱
MKTBK	۵/۶۶۴	۳/۴۳۰	۳۱/۶۹۷	۰/۰۳۸	۸/۸۷۷	۳/۶۲۳	۲۴/۹۱۹

۶/۹۲۲	-۰/۷۹۴	۰/۲۱۴	-۰/۷۲۸	۰/۸۳۸	۰/۱۰۹	۰/۱۱۴	ROA
۳/۵۹۹	۰/۳۱۰	۱/۶۵۵	۱۰/۶۴۵	۲۰/۷۲۲	۱۵/۲۲۳	۱۵/۲۸۵۲	SIZE
۱۱/۰۰۱	۰/۰۵۴	۰/۰۱۹	-۰/۰۹۸	۰/۱۱۶	-۰/۰۰۳	-۰/۰۰۷	TA
۱۵/۱۷۶	۳/۲۳۵	۰/۹۸۵	-۱/۲۲۶	۶/۱۲۴	۰/۱۷۰	۰/۳۵۸	Z_SCORE
آمار توصیفی برای متغیرهای مجازی							
متغیر		تعداد اعداد یک		تعداد اعداد صفر		جمع مشاهدات	
SOE		۲۹۲		۵۴۸		۸۴۰	
ZOMBIE		۹۴		۷۴۶		۸۴۰	

منبع: یافته های پژوهش

اصلی ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر لگاریتم سن شرکت برابر با ۳/۸۵۱ می باشد که نشان می دهد بیشتر داده ها حول این نقطه تمرکز یافته اند. میانه یکی دیگر از شاخص های مرکزی می باشد که وضعیت جامعه را نشان می دهد. همانطور که مشاهده می شود میانه این متغیر ۳/۹۱۲ می باشد که نشان می دهد که نیمی از داده ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن ها نسبت به میانگین است. از مهم ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. در بین متغیرها اجتناب مالیاتی کمترین، و متغیر نسبت ارزش بازار به دفتری بیشترین میزان پراکندگی را دارا می باشند.

نتایج آزمون فرضیه

در این پژوهش جهت تعیین کفایت مدل برازش شده و میزان توضیح دهندگی متغیرهای مستقل از مقدار ضریب تعیین مک فادن که معادل ضریب تعیین در مدل رگرسیون معمولی می باشد، شده که نشان می دهد چند درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تشریح می شود. همچنین جهت آزمون نیکویی برازش مدل در رگرسیون لجستیک از آزمون هاسمر-لمشو استفاده شده است. نتایج حاصل از تخمین مدل در جدول زیر ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج تجزیه و تحلیل داده ها جهت آزمون فرضیه

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره زد	احتمال
ضریب ثابت	C	-۱۳/۵۳۳	۳/۶۸۳	-۳/۶۷۵	۰/۰۰۰
اجتناب مالیاتی	TA(-1)	-۱۷/۵۲۹	۸/۵۰۳	-۲/۰۶۲	۰/۰۳۹
اندازه شرکت	SIZE(-1)	۰/۲۹۲	۰/۰۸۸	۳/۳۱۴	۰/۰۰۱
اهرم مالی	LEV(-1)	-۱/۰۳۵	۰/۷۷۰	-۱/۳۴۳	۰/۱۷۹
جریان نقد عملیاتی	CFO(-1)	-۰/۳۰۲	۱/۱۱۲	-۰/۲۷۲	۰/۷۸۶
بازده دارایی ها	ROA(-1)	-۱۰/۹۳۶	۳/۶۳۰	-۳/۰۱۳	۰/۰۰۳
رشد شرکت	GROWTH(-1)	-۰/۴۵۱	۰/۲۰۵	-۲/۲۰۳	۰/۰۲۸
ارزش بازار به دفتری	MKTBK(-1)	۰/۰۰۹	۰/۰۲۸	۰/۳۱۹	۰/۷۵۰
بحران مالی	Z_SCORE(-1)	۰/۷۶۸	۰/۲۱۰	۳/۶۴۸	۰/۰۰۰
سن شرکت	AGE(-1)	۱/۸۳۱	۰/۹۷۱	۱/۸۸۶	۰/۰۵۹
مالکیت دولتی	SOE(-1)	۰/۴۳۴	۰/۳۷۴	۱/۱۶۰	۰/۲۴۶
آماره نسبت درست‌نمایی		۲۵۸/۸	ضریب تعیین مک – فادن		۰/۵۰
احتمال آماره		۰/۰۰۰			

منبع: یافته های پژوهش

مقدار احتمال به دست آمده برای آماره نسبت درستنمایی که معنی داری کل مدل را نشان می دهد، برابر با ۰.۰۰ می- باشد، فرض صفر رد می شود و این نشان می دهد که معادله رگرسیون بطور کلی معنی دار است. مقدار ضریب تعیین مدل که معادل ضریب تعیین در مدل رگرسیون معمولی می باشد برابر ۰/۵۰ می باشد، که نشان می دهد ۵۰ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تشریح می شود.

با توجه به جدول (۲) و مقدار سطح معناداری آماره زد برای متغیر اجتناب مالیاتی که برابر ۰/۰۳۹ می باشد و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، فرض صفر (فرض عدم وجود رابطه بین اجتناب مالیاتی و شرکت های زامبی) رد می شود و در نتیجه بین اجتناب مالیاتی و شرکت های زامبی ارتباط معنی داری وجود دارد. در نتیجه فرضیه پژوهش پذیرفته می شود. همچنین با توجه به اینکه ضریب متغیر اجتناب مالیاتی منفی می باشد، در نتیجه اجتناب مالیاتی تأثیر منفی بر شرکت های زامبی دارد.

آزمون نیکویی برازش

جهت آزمون نیکویی برازش مدل در رگرسیون لوجستیک از آزمون هاسمر-لمشو استفاده می شود. فرض صفر در این آزمون خوبی برازش مدل می باشد. جدول زیر آماره هاسمر-لمشو را برای این مدل نشان می دهد. با توجه به مقدار احتمال که برابر ۰/۸۴ می باشد و بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، فرض صفر پذیرفته می شود و نتیجه می شود مدل به خوبی برازش داده شده است. به عبارت دیگر متغیرهای مستقل قدرت توضیح دهندگی شرکت های زامبی را دارند.

جدول (۳): آزمون هاسمر و لمشو

آماره آزمون	احتمال
۴/۲۸	۰/۸۴

منبع: یافته های پژوهش

بررسی صحت پیش بینی مدل

روش دیگری که برای بررسی کارایی مدل مورد استفاده قرار می گیرد، بررسی درصد صحیح احتمال های پیش بینی شده توسط مدل برازش داده شده می باشد. به این منظور این احتمالات با حد آستانه که عددی بین صفر تا یک می باشد و معمولاً برابر ۰/۵ در نظر گرفته می شود، مقایسه می شود. برای مقادیر یک، هر چه درصد صحیح احتمالات پیش بینی شده بیشتر باشد نشان دهنده پیش بینی صحیح تر و در نتیجه کارایی بیشتر مدل خواهد بود. طبقه بندی درست زمانی حاصل می شود که در صورت وجود مقدار صفر برای متغیر وابسته، مقدار پیش بینی شده احتمال کمتر یا مساوی حد آستانه و در صورت وجود مقدار یک برای متغیر وابسته، مقدار پیش بینی شده احتمال بیشتر از حد آستانه باشد. جدول زیر صحت پیش بینی مدل لوجستیک برازش داده شده را نشان می دهد. با توجه به جدول، صحت پیش بینی مدل لوجیت برای شرکت هایی که احتمال زامبی شدن شرکت وجود نداشته باشد یا مقادیر صفر متغیر وابسته، برابر ۳۶/۹ و برای شرکت هایی که احتمال زامبی شدن شرکت وجود داشته باشد یا مقادیر یک متغیر وابسته برابر ۹۸/۸ می باشد که نشان می دهد مدل، ۳۶/۹ درصد شرکت هایی که احتمال زامبی شدن شرکت وجود نداشته باشد و ۹۸/۸ درصد شرکت هایی که احتمال زامبی شدن شرکت وجود داشته باشد را به درستی تعیین کرده است. بطور کلی ۶۵/۷ درصد از مشاهدات به درستی پیش بینی شده اند.

جدول (۴): بررسی صحت پیش بینی مدل

مجموع	احتمال زامبی شدن شرکت وجود داشته	احتمال زامبی شدن شرکت وجود نداشته
-------	----------------------------------	-----------------------------------

باشد (مقادیر یک متغیر وابسته)	باشد (مقادیر صفر متغیر وابسته)		
۹۸/۸	۳۶/۹	درصد صحت پیش بینی	۶۵/۷

منبع: یافته های پژوهش

نتیجه گیری و پیشنهادات

نتایج پژوهش نشان داد که اجتناب مالیاتی و شرکت های زامبی ارتباط معنی داری وجود دارد، در نتیجه فرضیه اول پژوهش تایید می شود. ناتوانی شرکت های زامبی در ایجاد درآمدهای پایدار و جریان های نقدی اغلب منجر به کمبود منابع مالی داخلی می شود. با این حال، افزایش سطوح اجتناب مالیاتی شرکت ها ممکن است منبع اضافی داخلی ایجاد کند. تامین مالی که می تواند با ایجاد کسادی مالی، احتمال بقای شرکت های زامبی را در بازار سرمایه افزایش دهد. اگرچه اجتناب مالیاتی شرکت ها می تواند توسط بانک های تجاری و سایر موسسات مالی منفی نگریسته شود و می تواند منجر به افزایش شکاف وام بانکی و شرایط سخت تر قرارداد وام برای شرکت های وام گیرنده شود، همچنین می تواند میزان وجوه داخلی موجود برای اهداف تامین مالی شرکتی را افزایش دهد. علاوه بر این، تئوری سلسله مراتبی نشان می دهد که شرکت ها تامین مالی داخلی را بر تامین مالی خارجی ترجیح می دهند. لذا استدلال می شود که ایجاد پس انداز مالیاتی از طریق اجتناب مالیاتی شرکت ها ممکن است یک منبع داخلی جذاب برای گزینه تامین مالی باشد که می تواند احتمال بقای شرکت های زامبی در بازار سرمایه را در مقایسه با استراتژی های کاهش هزینه مانند کاهش هزینه های تحقیق و توسعه و کاهش پرداخت مالیات بر درآمد شرکت ها بهبود بخشد و به احتمال زیاد بر عملکرد شرکت های زامبی تأثیر منفی نمی گذارد. مهمترین مزیت اجتناب مالیاتی شرکتی، صرفه جویی مالیاتی قابل توجه ناشی از افزایش درآمدهای پس از مالیات و جریان های نقدی است. انتظار می رود که این برای بقای شرکت های زامبی ضروری باشد، زیرا آنها فاقد منابع مالی داخلی کافی به دلیل ناتوانی در تولید درآمدهای پس از مالیات و جریان های نقدی پایدار هستند. با این حال، اجتناب مالیاتی شرکت ها یک سرمایه گذاری مخاطره آمیز است که می تواند توجه مقامات مالیاتی را جلب کند و هزینه های اجرایی مالیاتی مرتبط را افزایش دهد. بر اساس بحث فوق، انتظار می رود در جایی که اجتناب مالیاتی شرکت ها منجر به مزایای اجتناب مالیاتی می شود، ارتباط منفی با شرکت های زامبی داشته باشد. از طرف دیگر، در جایی که اجتناب مالیاتی شرکتی منجر به مزایای اجتناب مالیاتی بیشتر از هزینه ها نمی شود، انتظار می رود که هزینه نهایی خالص اجتناب مالیاتی شرکت ها به طور مثبت با شرکت های زامبی مرتبط باشد. نتایج به دست آمده در این پژوهش از بعد معناداری با نتایج پژوهش های وانگ و همکاران (۲۰۲۴؛ ۱)، عبدالله و همکاران (۲۰۲۲؛ ۲۱)، داوان و همکاران (۲۰۲۰؛ ۱۶۴)، اسکندری و عبدالملکی (۱۴۰۱؛ ۱۲۶)، و محمدعلی تبار اندواری (۱۴۰۰؛ ۱۴۹)، همخوانی دارد.

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه شده است:

به گروه های مختلف سهامداران، اعتبار دهندگان، سازمان بورس، حسابرس، تحلیل گران مالی و امثال آنها، پیشنهاد می شود به نقش موثر اجتناب مالیاتی بر شرکت های زامبی توجه داشته باشند. آگاهی از این موارد و همچنین درک چگونگی تأثیر اجتناب مالیاتی بر احتمال زامبی شدن شرکت ها می تواند راهنمای لازم برای تشخیص شرکت های زامبی بر اساس این مولفه ها و برای تصمیم گیری مناسب گروه های مختلف باشد.

به سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می گردد در جهت ارزیابی شرکت های زامبی معیارهای نظارتی را بر اساس میزان اجتناب مالیاتی آنها مدنظر قرار دهد؛ در حقیقت این سازمان باتوجه به نتایج پژوهش مبنی بر اینکه بین اجتناب مالیاتی و شرکت های زامبی ارتباط معنی داری وجود دارد، می تواند آستانه ای را برای معیار نرخ ریزش شرکت های تأثیر گذار در شاخص کل بورس قرار دهد.

منابع

- ✓ اسکندری، علیرضا، عبدالملکی، زیبا، (۱۴۰۱)، تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات و حاکمیت شرکتی بر ریسک ورشکستگی شرکت ها در بورس اوراق بهادار تهران، نشریه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۵، شماره ۶۸، صص ۱۲۶-۱۴۳.
- ✓ توسلی، وحید، تاری وردی، یداله، حیدرپور، فرزانه، (۱۴۰۳)، الگوی مدیریت سود و اجتناب مالیاتی با استفاده از راهبردهای سیاست مالیاتی متهورانه، دارایی مالیات انتقالی و بدهی مالیات انتقالی. پژوهش های بازاریابی اسلامی، مقالات آماده انتشار، پذیرفته شده، انتشار آنلاین از تاریخ ۰۷ خرداد ۱۴۰۳.
- ✓ تقوی مقدم، علی، نخعی، سمانه، (۱۴۰۱)، اثر شرکت های زامبی بر هزینه تأمین مالی بدهی با تأکید بر نقش مالکیت دولتی، پیشرفت های مالی و سرمایه گذاری، دوره ۳، شماره ۸، صص ۸۷-۱۱۰.
- ✓ ساری، محمدعلی، (۱۴۰۳)، اثرات رفتار اجتنابی هم پیشگی صنعت بر اجتناب مالیاتی با توجه به رقابت بازار محصول، فصلنامه کارافن، مقالات آماده انتشار، پذیرفته شده انتشار آنلاین از تاریخ ۰۶ خرداد ۱۴۰۳.
- ✓ کردستانی، غلامرضا، تاتلی، رشید، (۱۳۹۳)، ارزیابی توان پیش بینی مدل های ورشکستگی (مقایسه مدل های اولیه و تعدیل شده)، دانش حسابرسی، دوره ۱۴، شماره ۵۵، صص ۵۱-۷۰.
- ✓ محمدعلی تبار اندواری، روح الله، (۱۴۰۰)، تأثیر اجتناب مالیاتی بر رابطه بین سرمایه گذاری بیش از حد و محدودیت در تأمین مالی با رویکرد مدلسازی معادلات ساختاری، نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۱۴۹-۱۶۸.
- ✓ محمودی، ایمان، اوحدی، فریدون، یعقوب نژاد، احمد، (۱۴۰۲)، رابطه میان خطر اخلاقی و احتمال زامبی شدن شرکت، اخلاق در علوم و فناوری، دوره ۱۸، شماره ۲، صص ۱۹۵-۲۰۰.
- ✓ نصیرزاده، فرزانه، مرندي، زکيه، (۱۴۰۰)، رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و بحران های مالی با تأکید بر نقش ارتباطات سیاسی، اقتصاد باثبات و توسعه پایدار، دوره ۲، شماره ۲، صص ۸۱-۱۰۸.
- ✓ Abdullah, Hashmi, M. A. Mateen, A. Badshah, Y. A. Iqbal M. S. (2022) Does tax aggressiveness and cost of debt affect firm performance? The moderating role of political connections, Cogent Economics & Finance, 10:1, 2132645,
- ✓ Arniati, A. Situmorang, E. D. (2023). The Effect of Political Connection on Tax Avoidance with Zombie Firms as a Moderating Variable, Proceedings of the 5th International Conference on Applied Economics and Social Science, ICAESS 2023, 7 November 2023, Batam, Riau islands, Indonesia.
- ✓ Banerjee, R., & Hofmann, B. (2018). The rise of zombie firms: Causes and consequences. BIS Quarterly Review, September, 67-77.
- ✓ Banerjee, R. N., & Hofmann, B. (2020). Corporate zombies: Anatomy and life cycle. BIS working papers 882. Available at: <https://www.bis.org/publ/work882.htm>.
- ✓ Balakrishnan, K., Blouin, J. L., & Guay, W. R. (2019). Tax aggressiveness and corporate transparency. The Accounting Review, 94(1), 45-69.
- ✓ Caballero, R. J., Hoshi, T., & Kashyap, A. K. (2008). Zombie lending and depressed restructuring in Japan. The American Economic Review, 98(5), 1943-1977.
- ✓ Campello, M., Graham, J. R., & Harvey, C. R. (2010). The real effects of financial constraints: Evidence from a financial crisis. Journal of Financial Economics, 97, 470-487.
- ✓ Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., & Shevlin, T. (2010). Are family corporations more aggressive than nonfamily corporations? Journal of Financial Economics, 95(1), 41-61.
- ✓ Dhaliwal, D., C. Gleason, and L. Mills (2004), 'Last-Chance Earnings Management: Using the Tax Expense to Meet Analysts' Forecasts', Contemporary Accounting Research, 21, 431-59.

- ✓ Dhawan, Anirudh. Kim, Maria H. Ma, Liangbo. (2020). Effect of Corporate Tax Avoidance Activities on Firm Bankruptcy Risk, *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 16(2): 164-187.
- ✓ Edwards, A., C. Schwab, and T. Shevlin (2013), 'Financial Constraints and the Incentive for Tax Panning', Working Paper, University of Toronto, University of Georgia and University of California at Irvine.
- ✓ Edwards, A., Schwab, C., & Shevlin, T. (2016). Financial constraints and cash tax savings. *The Accounting Review*, 91(3), 859–881.
- ✓ Eskandari, A and Abdolmaleki, Z. (2022). The effect of tax avoidance and corporate governance on the risk of bankruptcy of companies in the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Management Perspectives* 5(68): 126-143 (in Persian).
- ✓ Fang, J., Gozgar, G., Lau, C. K. M., Wu, W., & Yan, C. (2020). Listed zombie firms and top executive gender: Evidence from an emerging market. *Pacific-Basin Finance Journal*, 62, 1–17.
- ✓ Fukuda, S. I., & Nakamura, J. I. (2011). Why did 'zombie' firms recover in Japan? *The World Economy*, 34(7), 1124–1137.
- ✓ Jusman, Jumriaty, & Nosita, Firda. (2020). Pengaruh Corporate Governance, Capital Intensity Dan Profitabilitas Terhadap Tax Avoidance Pada Sektor Pertambangan. *Jurnal Ilmiah Universitas Batanghari Jambi*, 20(2), 697.
- ✓ Jiang, X., Li, S., & Song, X. (2017). The mystery of zombie enterprises – “Stiff but deathless.”. *China Journal of Accounting Research*, 10(4), 341–357.
- ✓ Kordestani, G and Tatli R. (2014). Evaluating the predictive power of bankruptcy models (comparison of original and adjusted models). *Auditing Knowledge* 14(55): 51-70. (in Persian).
- ✓ Kwon, H. U., Narita, F., & Narita, M. (2015). Resource reallocation and zombie lending in Japan in the 1990s. *Review of Economic Dynamics*, 18, 709–732.
- ✓ Mahmoudi, I. Ohadi, F. Yaghoubjnejad, A. (2023). The relationship between moral hazard and the probability of a company becoming a zombie. *Ethics in Science and Technology* 18(2): 195- 200. (in Persian).
- ✓ McGowan, M. A., Andrews, D., & Millot, V. (2017). The walking dead? Zombie firms and productivity performance in OECD countries. *Economic Department Working Papers*, OECD.
- ✓ Mohammad Ali Tabar Andvari, R. (2021). The effect of tax avoidance on the relationship between excessive investment and financial constraints using a structural equation modeling approach. *Scientific Journal of New Research Approaches in Management and Accounting* 5(17): 149-168. (in Persian).
- ✓ Nasirzadeh, F and Marandi Z. (2021). The relationship between social responsibility and financial crises with emphasis on the role of political communication. *Stable Economy and Sustainable Development* 2(2): 81-108. (in Persian).
- ✓ Nurdiana, R. (2021) The Effect of Environmental Uncertainty and Financial Distress on Tax Avoidance with Business Strategy as Moderating Variables. *Journal Eduvest*, 1(9): 943-951.
- ✓ Sari, M A. (2024). The effects of industry co-presidency avoidance behavior on tax avoidance with respect to product market competition. *Karafan Quarterly*, Articles ready for publication, accepted for online publication since June 26, 2024. (in Persian).
- ✓ Taghavi Moghadam, A and Nakhaei S. (2022). The effect of zombie companies on the cost of debt financing with emphasis on the role of government ownership. *Advances in Finance and Investment* 3(8): 87-110. (in Persian).
- ✓ Tan, Y., Huang, Y., & Woo, W. T. (2016). Zombie firms and the crowding-out of private investment in China. *Asian Economic Papers*, 15(3), 32–55.

- ✓ Tavasoli, V. Tariverdi, Y and Heydarpour, F. (2024). Profit Management and Tax Avoidance Model Using Aggressive Tax Policy Strategies, Transfer Tax Asset and Transfer Tax Liability. Islamic Marketing Research, Articles Ready for Publication, Accepted, Published Online on 07 June 2024. (in Persian).
- ✓ Wang, Changrong. Richardson, Grant. Cao, Yanming. (2024). Long live the walking dead? Corporate tax avoidance and zombie firms in China, The British Accounting Review, 56(3), 101319.
- ✓ Yu, M., Guo, Y. M., Wang, D., & Gao, X. (2021). How do zombie firms affect debt financing costs of others: From spillover effects views. Pacific-Basin Finance Journal, 65, 101471.
- ✓ Zhang, C., Chen, Y., & Zhou, H. (2020). Zombie firms and soft budget constraints in the Chinese stock market. Asian Economic Journal, 34(1), 51–77.